

تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)

دکتر مرتضی سامتی*، دکتر همایون رنجبر**، فضیلت محسنی***

دریافت: 1390/5/5 پذیرش: 1390/7/28

چکیده

حکمرانی خوب مفهومی است که از اواخر دهه 1990 در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردید. این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است و محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌باشد. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند. این مقاله با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی اثر این شاخص‌ها بر شاخص توسعه انسانی به عنوان معیار توسعه اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN) در طول دوره زمانی 2009-2000 می‌پردازد. در این مطالعه با توجه به همبستگی بالای میان شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان متغیرهای توضیحی مدل، از روش تحلیل عاملی برای بررسی امکان حذف برخی از شاخص‌ها جهت رفع هم‌خطی مدل و سنجش روایی مربوط به حکمرانی خوب استفاده شده است. هم‌چنین از طریق محاسبه میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب، کیفیت حکمرانی معرفی شده، و تأثیر آن بر شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی خوب که از طریق میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی محاسبه شده است، اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر HDI دارد. هم‌چنین از بین شش شاخص حکمرانی خوب شاخص‌های ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون اثری مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند.

کلمات کلیدی: حکمرانی خوب، شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص توسعه انسانی، تحلیل عاملی، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: H11, P48, H19, O15

Email: msameti@gmail.com

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان

Email: hranjbar@khuisf.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

Email: fazilat.mohseni@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان

1- مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، دخالت دولت و نقش مهم آن در اقتصاد است. در زمان کلاسیک‌ها اعتقاد عمومی بر آن بود که دولت نباید در اقتصاد دخالت داشته باشد و وظیفه دولت را منحصر به حفظ امنیت اجتماعی می‌دانستند. بر این اساس تا اواخر قرن 19 دولت‌ها نقش رو به گسترشی در اقتصاد نداشتند. اما قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه نظام‌های دولت‌مدار دانست. بحران بزرگ دهه 1930، یکی از عوامل مهم استقبال از اندیشه‌های دولت‌گرایی کینز بود. در این دوره لزوم دخالت دولت به عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شد و تفکر حاکم این بود که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بدون دخالت دولت ممکن نیست. با شروع دهه 1980 مجدداً گرایش‌هایی به سمت کاهش نقش دولت به وجود آمد. گسترش اندیشه‌های پیروان مکتب انتخاب عمومی از اواخر دهه 1960 از یک‌سو و آشکارشدن ناکارآمدی شرکت‌های دولتی، فقدان بازدهی، انعطاف‌پذیری پایین و ورشکستگی آن‌ها از سوی دیگر، موجبات طرح مجدد دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار را فراهم آورد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، در دهه 1980 رهبری این جریان را که تحت عنوان سیاست‌های تعدیل ساختاری مطرح گردید به عهده گرفتند. سیاست‌های تعدیل در اواسط دهه 1990 مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آن‌ها جوزف استیگلیتز¹ قرار گرفت. استیگلیتز معتقد است، تعامل سازنده دولت-بازار می‌تواند راه‌گشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی باشد. بر این اساس دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا و از این رهگذر به عنوان دست‌یاری‌دهنده بازار موجبات رشد

1- Joseph Stiglitz

و توسعه اقتصادی را فراهم سازد. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها تحت عنوان «حکمرانی خوب»¹ مطرح می‌شود. حکمرانی محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. از اواخر دهه 90 نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری هم‌چون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح کردند. در این دوره، دولت و بازار هر دو نهاد اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی‌های مختلف رنج می‌برند و توسعه در گرو رفع نقایص نهاد دولت و نهاد بازار است. در این دیدگاه کلید توسعه در فراهم‌ساختن شرایط و نهادهایی است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد. این مقاله به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی² که به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است، در کشورهای آسیای جنوب شرقی³ (ASEAN) در دوره زمانی 10 ساله (2000-2009) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و نرم‌افزار Stata می‌پردازد. بر این اساس، بخش دوم شامل مباحث مربوط به پیدایش حکمرانی خوب، تعریف شاخص‌های حکمرانی خوب و ذکر روابط محاسباتی در گردآوری شاخص‌های حکمرانی خوب است. بخش سوم مبانی نظری و کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه را مورد توجه قرار می‌دهد. بخش چهارم شاخص توسعه انسانی را به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی معرفی می‌کند. بخش پنجم شامل مطالعات انجام شده در این زمینه، بخش ششم شامل متولوژی تحقیق، الگوی تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، روش تحلیل عاملی و برآورد و تحلیل نتایج و نهایتاً بخش هفتم شامل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌باشد.

1- Good Governance

2- Human Development Index

3- Association Of Southeast Asian Nations

2- حکمرانی خوب

1-2 مفهوم و پیدایش حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه 1980 با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره دارد. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه دولت (Government) استفاده شده است. اما در طول دهه 1980 اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت به کار گرفتند. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. هر سه آن‌ها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند. دولت محیط سیاسی و حقوقی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخ‌گویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یک جا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. حکمرانی خوب روایت‌گر توسعه انسان محور است. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی است که در گزارشی در سال 1989 آن را به عنوان «ارایه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو» تعریف نموده است (استو¹، 1992، ص 392).

2-2 شاخص‌های حکمرانی خوب

بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند که عبارتند از:

1- Stowe

الف: شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی¹، ب: شاخص ثبات سیاسی²، ج: شاخص کارایی و اثربخشی دولت³، د: شاخص کیفیت قوانین و مقررات⁴، ه: شاخص حاکمیت قانون⁵، و: شاخص کنترل فساد⁶.

2-3 ذکر روابط محاسباتی در گردآوری شاخص‌های حکمرانی خوب

شاخص‌های حکمرانی خوب حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون⁷ است که یافته‌های موسسات مختلف بین‌المللی هم چون EIU⁸، ICRG⁹، بنیاد هریتیج¹⁰ و خانه آزادی¹¹ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی نموده‌اند. داده‌هایی که در مورد کیفیت حکمرانی بدست آمده است، تابعی خطی از یک سری داده‌های ذهنی¹²، به علاوه یک جزء خطای تصادفی می‌باشد. به این منظور، از یک مدل ترکیبی¹³ با شاخص‌های چندگانه¹⁴ استفاده شده است. داده‌ها در برداشتی از حکمرانی هر کشور بر اساس طیف گسترده‌ای از منابع داده و اطلاعات رسم شده و با توجه به ابعاد گسترده حکومتی به 6 خوشه سازماندهی شده‌اند. برای به دست آوردن آمار مربوط به هر کدام از این خوشه‌ها (شاخص‌ها) از یک

-
- 1- Voice & Accountability
 - 2- Political Stability (No Violence)
 - 3- Government Effectiveness
 - 4- Regulatory Quality
 - 5- Rule of Law
 - 6- Control of Corruption
 - 7- Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton
 - 8- Economist Intelligence Unit
 - 9- International Country Risk Group
 - 10- Haritage Foundation
 - 11- Freedom House
 - 12- Unobserved
 - 13- Component Model
 - 14- Multiple –Indicator

روش آماری شناخته شده به نام مدل ترکیبی ذهنی¹ (UCM) استفاده شده است. بر اساس این روش داده‌ها در سه مرحله به دست آمده‌اند:

(1) استانداردسازی داده‌های استخراج شده از منابع متنوع آماری و تبدیل آن‌ها به واحدهای قابل مقایسه.

(2) ساختن شاخص کلی حکمرانی² به عنوان یک میانگین موزون از متغیرهای منابع اصلی.

(3) ساختن حاشیه‌های خطا³ که منعکس کننده عدم دقت غیر قابل اجتناب در اندازه‌گیری حکمرانی است.

فرض اساسی این رویکرد آماری این است که هر کدام از منابع داده نشانه‌های ناقصی از مفهوم عمیق‌تر حکمرانی را که به طور مستقیم به سختی قابل مشاهده‌اند فراهم می‌کند و این بدان معناست که در جمع‌آوری داده‌ها مشکل استخراج سیگنال⁴ وجود داشته است. روش UCM راه‌حل مناسبی برای حل مشکل استخراج سیگنال ارائه می‌دهد. به این صورت که فرض می‌کند برای هر یک از 6 شاخص حکمرانی که در بالا ذکر گردید می‌توان یک امتیاز عینی⁵ از کشور ز روی شاخص k نوشت $y(j, k)$. در اینجا فرض می‌شود که امتیاز عینی کشور زام از شاخص k که با $y(j, k)$ مشخص می‌شود، یک تابع خطی از حکمرانی ذهنی⁶ $g(j)$ و یک جزء خطا $\varepsilon(j, k)$ بوده و به صورت زیر نشان داده می‌شود.

$$y(j, k) = \alpha(k) + \beta(k) * (g(j) + \varepsilon(j, k))$$

$\alpha(k)$ و $\beta(k)$ پارامترهای نامعلومی هستند که حکمرانی ذهنی $g(j)$ را به داده

- 1- Unobserved Component Model
- 2- Aggregate Indicator Of Governance
- 3- Margins of Error
- 4- Signal-Extraction
- 5- Observed Score
- 6- Unobserved Governance

عینی $y(j, k)$ مرتبط می‌سازند. فرض می‌شود $g(j)$ یک متغیر تصادفی با میانگین صفر و واریانس یک می‌باشد. هدف، مشخص نمودن میزان $g(j)$ برای هر کشور با استفاده از توزیع $g(j)$ بسته به داده‌های عینی $y(j, k)$ $k=1, \dots, K$ می‌باشد. میانگین این توزیع شرطی¹، تخمینی از سطح حکمرانی در کشور j ام و واریانس آن معیاری برای دقت این شاخص حکمرانی می‌باشد. فرض میانگین صفر و واریانس یک برای حکمرانی به منظور تعیین پارامترهای $\alpha(k)$ و $\beta(k)$ ضروری است. هم‌چنین فرض بر این است که جمله اخلاص $\varepsilon(j, k)$ نیز دارای توزیع نرمال می‌باشد. به طوری که میانگین آن صفر و واریانس آن در بین کشورها یکسان اما برای شاخص‌های مختلف متغیر است. به طوری که $\text{var}[\varepsilon_{jk}] = \delta_k^2$. هم‌چنین فرض بر این است که خطاها مستقل از منابع هستند. به طوری که $E[\varepsilon_{jk} \varepsilon_{jm}] = 0$.

جزء اخلاص $\varepsilon(j, k)$ شامل دو منبع نااطمینانی میان حکمرانی واقعی و شاخص‌های عینی است. اول، جنبه خاصی از حکمرانی را که توسط شاخص k تحت پوشش قرار می‌گیرد، به صورت ناقص در هر کشور اندازه‌گیری می‌کند که منعکس کننده خطای مشاهداتی متخصصین و یا تفاوت در نمونه‌گیری می‌باشد. دوم، رابطه میان جنبه خاص حکمرانی اندازه‌گیری شده به وسیله شاخص k و مفهوم وسیع تر متناظر با حکمرانی که ممکن است ناقص باشد. هر دو منبع عدم اطمینان در واریانس جمله خطا یعنی δ_k^2 منعکس می‌شود. هر چه این واریانس کمتر باشد سیگنال دقیقتری از حکمرانی توسط منبع داده مربوطه ارایه شده است. واریانس جزء خطا نشان می‌دهد که شاخص k تا چه حد معرف $g(j)$ می‌باشد و میزان آن، در میان شاخص‌ها متغیر است. هدف محققین، تعیین سطح حکمرانی در هر کشور با استفاده از داده‌های عینی در آن کشور بوده است. بنابراین

1- Conditional Distribution

با توجه به داده‌های عینی در هر کشور $y(j, k)$ و برآورد پارامترهای مدل یعنی $\alpha(k)$ ، $\beta(k)$ و δ_k^2 برآوردهای حکمرانی ذهنی $g(j)$ می‌تواند ساخته شود. روش UCM این امکان را به وجود می‌آورد که حکمرانی ذهنی در کشور j با توجه به توزیع شرطی $g(j)$ روی داده‌های عینی $y(j, k)$ به دست آید. این میانگین به صورت زیر به دست می‌آید:

$$E[g(j)|y(j)] = \sum_{k=1}^j \frac{y_{jk} - \alpha_k}{\beta_k}$$

این توزیع شرطی به عنوان برآورد حکمرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در واقع میانگین موزون امتیازات دوباره رتبه‌بندی شده¹ برای هر کشور است. وزن اختصاص داده شده به k در هر منبع با w_k نشان داده شده است. منابعی که سیگنال مناسبتری از حکمرانی را ارائه می‌دهند، وزن بالاتری دریافت می‌کنند (کافمن و دیگران، 2010، صص 9-12).

3- مبانی نظری (کانال‌های اثر گذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه)

3-1 حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و توسعه

تعریف جدید توسعه نیافتگی و فقر به صورت محرومیت از قابلیت‌ها، دیدگاه وسیع‌تری از توسعه را ارائه می‌کند که در تعاریف قبلی، یعنی فقر درآمدی، مورد توجه لازم قرار نمی‌گرفت. دموکراسی، حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی از جمله عوامل آگاهی بخش هستند که خواسته‌های مردم از دولت را شکل می‌دهند. بر اساس تقسیم‌بندی موسسه خانه آزادی² حق اظهار نظر شهروندان و پاسخ‌گویی دولت‌مردان، بیانگر جنبه‌های مختلف آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی است. مردم بدون آزادی سیاسی نمی‌توانند عضو گروه‌ها

1- Rescaled Scores

2- Freedom House

شوند، ایده‌ای را شکل دهند و آن را بیان کنند. اما دولت‌های دموکراتیک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بیشتری در نهادها و اجرای قوانینی برای توزیع مناسب‌تر امکانات رفاهی از قبیل امکانات آموزشی و بهداشتی را می‌دهند.

آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخ‌گویی دولت‌مردان به چهار روش می‌تواند بر توسعه اقتصادی مؤثر واقع شود:

3-1-1 بهبود عملکرد دولت

وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه‌های متعدد، مستقل و آزاد، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون در هموارسازی مسیر توسعه نقش عمده‌ای دارند. در چنین شرایطی آگاهی مردم بالا می‌رود و عملکرد حاکمان مورد نقد واقع می‌شود و دولت‌ها ناچار به عملکرد کارا تر می‌شوند و در غیر این صورت از چرخه قدرت توسط آرای مردم حذف می‌شوند (سعیدی، 1386، ص 15).

3-1-2 ایجاد ثبات سیاسی

در شرایطی که افراد جامعه از آزادی‌های سیاسی برخوردار باشند، همه مردم احساس امنیت و آزادی می‌کنند و خدمات رسانه‌ها در سایه رقابت، از نظر کمیت و کیفیت ارتقاء می‌یابد و کلیه اقشار جامعه را پوشش می‌دهد. بنابراین رسانه‌ها به دلیل مستقل و آزاد بودنشان می‌توانند حقایق را در جامعه مطرح کنند و نیازی به رسانه‌های خارجی برای کشف حقایق جامعه احساس نمی‌شود و زمینه بی‌ثبات کردن جامعه توسط رسانه‌های خارجی از بین می‌رود (همان، ص 15).

3-1-3 انباشت سرمایه فیزیکی

انجام اعتراضات گسترده و قوی از سوی اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری، می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد میان نیروی کار و سرمایه تأثیر بگذارد. رودریک¹ چنین استدلال می‌کند که با فرض ثبات سایر شرایط، اعتراضات گسترده اتحادیه‌ها و تشکل‌های

1- Rodrik(1999)

کارگری، سطح دستمزدها را بالا برده و از این طریق نرخ بازگشت سرمایه را کاهش می‌دهد؛ که این خود کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در پی دارد. اما بر خلاف این ادعا کلاگو¹ معتقد است که نه تنها این اثر بسیار ناچیز است، بلکه علاوه بر آن آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخ‌گویی دولت‌مردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها را افزایش داده و بنابر این با کاهش ریسک و نا اطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش می‌یابد (کلاگو و دیگران، 1996، ص 264).

3-1-4 انباشت سرمایه انسانی

انجرمن² معتقد است در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخ‌گوتر هستند، چرا که آن‌ها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقاء سرمایه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد، که این خود موجب پاسخ‌گوتر شدن حکومت‌ها می‌شود.

3-2 ثبات سیاسی و توسعه

شاخص ثبات سیاسی نشان‌دهنده عدم وجود خشونت در جامعه می‌باشد. چندین معیار در محاسبه این شاخص به کار می‌رود که به ارزیابی بی‌ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزارهای خشن و غیرمدنی می‌پردازد و اعمال دیگری مانند شورش‌های داخلی، تروریسم، کودتا و ترور را نیز در بر می‌گیرد. ثبات سیاسی از دو طریق بر توسعه اقتصادی اثرگذار می‌باشد:

3-2-1 افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

تشویق مباحثات آزاد در مورد انتخاب سیاست‌مداران و سیاست‌ها، امکان براندازی قدرت

1-Clague (1996)
2- Engerman (1999)

حاکم را با ابزارهای نامشروعی چون کودتا و شورش از بین می‌برد. بنابراین در چنین جوامعی تغییرات سیاسی پیش‌بینی‌پذیرتر از نظام‌های خودکامه است. این امر با کاهش هزینه ریسک سرمایه‌گذاری، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی می‌شود. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون یک نظم مسالمت‌آمیز و آرام به طور رضایت‌بخش و مطلوبی کار کند. درگیری‌های جناحی، ترورهای سیاسی، کودتا و پدیده‌هایی مانند آن، با از بین بردن امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش ریسک و ناطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور گردیده و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد (بارو¹، 1991، ص 424).

3-2-2-2-2 جلوه‌گیری از فرار مغزها

همان‌طور که بیان شد ایجاد ثبات و امنیت در جامعه موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی ضمن انتقال تکنولوژی، مدیریت و کادر متخصص مورد نیاز به کشور، منافع کشور را به منافع کشورهای سرمایه‌گذار گره می‌زند. لذا سرمایه‌گذاری‌های مذکور خود ثبات و امنیت را بیشتر کرده و به سرمایه‌گذاری فزاینده منجر می‌شود. در چنین شرایطی فرار سرمایه‌ها و مغزها متوقف می‌شود و در خدمت رشد و بالندگی کشور به کار گرفته خواهد شد (سعیدی، 1386، ص 15).

3-3 اثربخشی دولت و توسعه

حکمرانی خوب به این مفهوم است که فرآیندها و نهادها منجر به نتایجی می‌شوند که نیازهای جامعه را تامین می‌کنند و در عین حال بهترین بهره‌برداری از منابع در اختیار را امکان‌پذیر می‌نمایند. کارایی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری کارآمد و بهینه در کشور است. چنین دستگاهی پاسخ‌گوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی همگان به خدمات با کیفیت (مانند آموزش و بهداشت) و سرمایه‌های تولیدی و

1- Barro

ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم‌محور و پایدار خواهد بود (مجمع عمومی سازمان ملل، 1996). برای محاسبه شاخص کارایی دولت گروهی از شاخص‌های مرتبط از قبیل کیفیت خدمات عمومی، چگونگی بوروکراسی و تشریفات اداری کارمندان دولتی، عدم وابستگی خدمات اجتماعی به فشارهای سیاسی و میزان تعهد دولت به اجرای سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود. در دیدگاه مطلوب نهاد گرایان دولت عبارت از دولتی کارآمد و شفاف است که با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانت‌خواران سودجو خواهد بود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش می‌دهد.

شاخصه‌های دستگاه اداری کارآمد عبارتند از:

3-3-1 ساختارهای مناسب، درست اندازه و با حقوق مکفی

تمرکز اصلی بر روی حداقل شمار سطوح و مجموعه‌های کارمندان است، تا به این طریق امکان جابه‌جایی و فرصت‌های شغلی بدون ایجاد تنش و استرس‌های درون سازمانی و نیز ترویج ارزش‌های وحدت در بین کارمندان دستگاه اداری فراهم آید. توجه به این ابعاد فوق‌العاده مهم است، چرا که هم نیروی مازاد و هم شمار بیش از حد کارمندان می‌تواند مجموع عملکرد یک گروه یا سازمان را تحت تأثیر قرار دهد. در مواردی که دستگاه اداری به لحاظ ابعاد متورم است قادر نخواهد بود به تمامی کارمندانی که برای بنیان نهادن و تداوم دستگاه اداری بهینه و عاری از فساد حیاتی‌اند، حقوق مکفی و مناسب پرداخت کند و این امر موجب افزایش انگیزه‌های فساد در دستگاه اداری شده و باعث تحمیل هزینه به بخش خصوصی می‌گردد (رفیق الرحمان، 1384، ص 206).

3-3-2 پاسخ‌گو، حرفه‌ای و عاری از فساد

به‌منظور دستیابی به عملکرد شایسته کارمندان، بایستی سیستم‌های شفاف پاسخ‌گویی به‌دقت در درون چارچوب حقوقی و اداری نهادینه شوند. چنین سیستم‌هایی از طریق نهادینه‌سازی اصول رفتار حرفه‌ای برای هدایت رفتار کارمندان در مواجهه با شهروندان، ارباب‌رجوع و

دیگر گروه‌ها، تقویت می‌گردند و از این طریق موجب کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌گردند (همان، ص 207).

3-3-3 مستقل، مسؤلیت پذیر و نماینده

هر سیستم اداری برای کارآمدی و بازدهی نیازمند داشتن استقلال عمل است، به ویژه از منظر جذب و افزایش کارآیی پرسنل در چارچوب حقوقی و اداری که به وسیله قانون اساسی تضمین شده باشد. ضروری است چنین استقلالی به وسیله ارزش‌های بی‌طرفی و خدمت‌پشتیبانی گردد، به نحوی که سیستم بتواند در برابر دخالت‌های بی‌جای روند سیاسی و سیاست‌مداران، از خود محافظت کند و نوسانات سیاسی آن را دست‌خوش تغییر نسازد (همان، ص 207). به همین ترتیب موضوع نمایندگی از آن‌جا که با پیش‌زمینه قومی، زبانی، فرهنگی و جنسیتی کارمندان ارتباط می‌یابد، بسیار مهم است. در کشورهایی که دارای تنوع قومی و گروه‌های ملی‌اند و مشارکت زنان در دستگاه اداری محدود است، این مقوله در ایجاد انسجام اجتماعی¹ و به‌دنبال آن رشد و توسعه اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (ایسترلی²، 2000، ص 22).

3-4 کیفیت قوانین و مقررات و توسعه

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در بر می‌گیرد: تنظیم قوانین اختلال‌زا در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، ایجاد موانع غیراصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیت‌های زاید در بازار سهام، محدودیت‌های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه که هر یک به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی مطرح هستند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر

1- Social Cohecion

2- Easterly

کند. هم‌چنین دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد (رنانی، 1383، ص 13). جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای است که قانون در آن در حد بهینه تولید شده باشد. نه چندان کم که رفتارهای بی‌قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب بهینه افراد بسته شود (همان، ص 14).

در حقیقت تصویب هر قانون، تأسیس یک نهاد جدید است که همچون هر پدیده دیگری هزینه‌ها و منافع دارد. قانونگذاری زمانی به حد بهینه خود می‌رسد که خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد. از جنبه نظری می‌توان نشان داد که برای یک موضوع مشخص، قانونگذاری تا حد معینی منافع دارد و فراتر از آن حد، منافع رو به کاهش می‌گذارد. قانونگذاری دولت زمانی یک فرآیند اصلاح نهادی قلمداد می‌شود که دارای سه ویژگی زیر باشد:

3-4-1 شفاف‌سازی

در صورتی که قانون جدید منجر به شفاف‌تر شدن ساختارهای موجود یا سازوکارهای جاری شود؛ که حاصل آن شفاف‌شدن حقوق مالکیت، اطلاعات، فرصت‌ها، هزینه‌ها، منافع و... خواهد بود، می‌توان امیدوار بود که قانون جدید گامی است به سوی یک اصلاح نهادی (که نتیجه نهایی آن کاهش هزینه‌های مبادله در اقتصاد است) (همان، ص 26).

3-4-2 برابری فرصت‌ها

اگر قانون جدید به تضعیف یا حذف امتیازات، انحصارات و رانت‌ها یا به تضعیف و حذف رویه‌ها و سازوکارهایی که منشأ ایجاد نابرابری فرصت‌هاست، بیانجامد، یک اصلاح نهادی مفید انجام شده است (که نتیجه نهایی آن کاهش هزینه‌های رانت‌جویانه است) (همان).

3-4-3 به هنگام‌سازی نظام حقوقی

اگر قانون جدید در راستای شفاف‌سازی حقوق مالکیت، ارتقای سازمان‌دهی نظام حقوقی و آموزش و ارتقای سرمایه‌انسانی دستگاه‌های مرتبط با حقوق مالکیت باشد، یک اصلاح نهادی مفید قلمداد می‌شود (که حاصل آن کاهش شکاف نظام حقوقی با نظام تولیدی جامعه است) (همان).

3-5 حاکمیت قانون و توسعه

تعریف سازمان ملل¹ از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (شامل خود دولت) در برابر قوانین پاسخ‌گو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده‌اند، به طور مساوی اجرا می‌شوند، به طور مستقل حکم می‌شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین‌المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی² حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون (واتسون³، 2003). کانال‌های اثر گذاری حاکمیت قانون بر توسعه عبارتند از:

3-5-1 حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها⁴:

ارتباط میان حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و توسعه اقتصادی از کانال‌های متفاوتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در همه آن انگیزه‌ها نقش محوری ایفا می‌کنند. هرچه حقوق مالکیت پیشرفته‌تر باشد، افراد انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری دارند. چرا که مالکان اطمینان دارند در آینده به سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خود خواهند رسید. ضمناً زمانی که افراد نسبت به دارایی خود اختیار داشته باشند می‌توانند بر روی آن‌ها تجارت

1- United Nations

2- World Bank

3- Watson

4- Protection of property rights and contract's enforcement

کنند. از طرف دیگر اثر بخشی حاکمیت قانون در حسن اجرای قراردادها آشکار می‌گردد. چرا که این عامل اعتماد بیشتری در سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند. وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد (که ممکن است دولت نیز باشد) از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. بنابراین در روند توسعه اقتصادی وجود یک مکانیسم اجرایی قوی بوسیله یک ساختار قضایی مورد اطمینان برای تضمین امنیت حقوق افراد، اهمیت بسیاری دارد (هاگارد، مک اینتایره و تایده¹، 2008، ص 208).

3-5-2 توسعه بازارها

توسعه بازارها اساساً یک چالش حقوقی است. بازارها در خلا به وجود نمی‌آیند. بلکه توسط شبکه پیچیده‌ای از زیرساخت‌های نهادی حمایت می‌شوند (گریف²، 2005). قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می‌کنند؛ چرا که هر مبادله‌ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشندگان می‌باشد. هم‌چنین وجود سازوکارهای اجرای قراردادها از جمله قوانین صریح قابل پیش‌بینی، شفافیت در روش‌ها و اجرای بی طرفانه قوانین نیز برای توسعه بازارها ضروری است.

بازارهای سرمایه نیز نقش اساسی در توسعه اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند. آن‌ها به عنوان یک مجرای بین سرمایه‌گذاران و پس انداز کنندگان عمل می‌نمایند. در سراسر دنیا بازاریابی سهام³ تبدیل به یک منبع بزرگ تامین مالی خارجی برای بخش شرکتی⁴ شده است و شرکت‌های بزرگ از این طریق می‌توانند سرمایه زیادی به دست آورند و ضمناً ریسک‌های موجود را بین سهامداران بیشتری پخش کنند. قانون باید بتواند ابزارهایی برای به اشتراک گذاشتن ریسک، خصوصاً برای سهامداران کوچک در مقابل سهامداران بزرگ ارائه دهد (لوبنا⁵، 2010، ص 6).

1- Sephan Haggard, Andrew MacIntyre and Lydia Tiede

2- Grief

3- Equity Marketting

4- Corporate Sector

5- Lubna

3-5-3 کارآفرینی

حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب و کار را نیز تشویق می‌کند (استالپر و همکاران¹، 2006). یک کارآفرین نمی‌تواند در کشوری که بدون حاکمیت قانون اداره می‌شود آزاد باشد. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون حکمرانی می‌شوند موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می‌کنند اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن‌ها اجرا نمی‌شود موانع زیادی برای کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیر قانونی به یک کسب و کار منسجم وجود دارد و اکثریت کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیر رسمی مشغولند (همان، ص 7).

3-6-3 کنترل فساد و توسعه

ادبیات علمی در زمینه فساد، شاهد دو نظریه رقیب و متعارض در مورد اثرات فساد بر توسعه اقتصادی یا کارایی می‌باشد: نظریه ناکارآمدی و نظریه کارآمدی فساد. گروه اول تئوری‌هایی هستند که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. در ادامه به برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

3-6-1 تخصیص غیر بهینه سرمایه انسانی

وجود فساد باعث تخصیص غیر بهینه استعدادهای جامعه می‌گردد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود، افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از خلاقیت و نوآوری خود، سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و توافق با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به طور بالقوه می‌توانستند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند (مورفی²، شلیفرو ویشنی، 1991). بنابراین انجام فعالیت‌های رانت جویانه توسط باهوش‌ترین افراد جامعه که

1- Stolper et al.

2- Kevin, M Murphy

گاهی از آن به عنوان راه حل بهینه دوم¹ یاد می‌شود، جامعه را از پتانسیل‌های واقعی خود محروم نموده و با این تخصیص غیر بهینه سرمایه‌های انسانی به رشد اقتصادی زیان می‌رساند (تانزی²، 1998).

3-6-2 فساد به عنوان مانعی برای ورود به بازار

فساد به مقامات رسمی اجازه می‌دهد به طور مخفیانه و سلیقه‌ای منافع خصوصی کسب کنند. بنابراین آن‌ها می‌دانند که هرچه انعطاف‌ناپذیری بیشتری تحمیل نمایند، فرصت بیشتری برای کسب رشوه دارند. بدین ترتیب کارگزاران دولتی نه تنها اقدام به ایفای نقش مورد انتظار یعنی رفع نواقص بازار نخواهند کرد، بلکه نواقص بیشتری نیز در بازارها ایجاد خواهند کرد. در چنین محیطی بنگاه‌های جدید بالقوه که مجبورند برای ثبت و شروع عملیات خود رشوه پرداخت کنند، اغلب تصمیم می‌گیرند وارد بازار نشوند، که در نتیجه رقابت کاهش خواهد یافت (آکای³، 2005، ص 8).

گروه دوم تئوری‌هایی هستند که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات نا کارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل شده توسط دولت، کارآیی و توسعه اقتصادی را ارتقاء دهد. از این گروه تئوری‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

3-6-3 رشوه بازار را تسویه می‌کند

دولت‌ها غالباً کالاها و خدماتی را به طور رایگان فراهم می‌کنند یا این‌که آن‌ها را زیر قیمت‌های بازار می‌فروشند. در خصوص این قبیل کالاها اغلب قیمت‌های دوگانه‌ای وجود دارند- قیمت پایین دولتی و قیمت بالاتر بازار آزاد- که باعث می‌شود شرکت‌ها برای دسترسی به کالاها و خدمات دولتی زیر قیمت بازار، به مقامات دولتی رشوه بپردازند. بر این اساس برخی اقتصاددانان رشوه را به مثابه ابزاری برای تسویه بازارها می‌دانند به گونه‌ای که عرضه و تقاضا را متوازن می‌سازد (صبوری، 1385، ص 26).

1- Second-Best Solution

2- Tanzi

3- Akai

3-6-4 رشوه به عنوان پاداش تشویقی برای بوروکرات‌ها عمل می‌کند

مدل صف¹، که در 1985 توسط لوئی² پیشنهاد شد، به این نکته اشاره دارد که بوروکرات‌ها در عرضه مجوزهای تجاری به بنگاه‌ها، اولویت را به کسانی می‌دهند که بیشترین ارزش را برای زمان قائل هستند و بنابراین برای انجام سریع‌تر عملیات خود، حاضر به پرداخت بیشترین میزان رشوه به اداره کنندگان صف‌ها هستند (آکای، 2005، ص 8).

3-6-5 رشوه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد

تأثیر اقتصادی رشوه‌هایی که برای گریز از مقررات و پایین آوردن مالیات‌ها پرداخت می‌شود بستگی به کارآیی برنامه‌های واقعی که در معرض تحریف‌های ناشی از فساد هستند دارد. اگر دولتی قوانین و مقررات بیهوده بسیاری داشته باشد و مالیات‌های سنگینی از فعالیت‌های اقتصادی دریافت کند، در آن صورت، با در نظر گرفتن چارچوب قانونی ناکارآمد موجود، رشوه‌هایی که برای گریز از مقررات و مالیات پرداخت می‌شود ممکن است کارآیی را افزایش دهد (لف³، 1964، ص 18).

4- شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی:

توسعه نتیجه بسیج نیروهای مادی و انسانی برای اهداف مترقی توسعه یافتگی است و از این رهگذر است که فقر، بی‌سوادی، وابستگی و اختناق جای خود را به رفاه، آزادی و قدرت می‌دهند. در مفهوم توسعه یافتگی نکاتی نهفته است که در ادبیات رشد اقتصادی که تنها بر رشد درآمد سرانه تأکید می‌کند، وجود ندارد. تا قبل از دهه 1970، رشد اقتصادی به عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه اقتصادی کشورها در نظر گرفته می‌شد و فرض بر این بود که با بالا رفتن درآمد سرانه وضع مردم در تمام جوانب بهبود خواهد یافت. اما تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی لزوماً با بهبود رفاه توده مردم همراه نبوده است.

1- Queue Model

2- Lui

3- Leff

لذا موفقیت در مسیر توسعه تنها با یک دید همه جانبه به محیط توسعه امکان‌پذیر خواهد بود. این ضرورت را اقتصاد نهادگرا به درستی تشخیص داده است، به صورتی که توسعه در جوامع مختلف را تابع شرایط نهادی می‌داند که در آن جوامع وجود دارد. از این منظر نقش دولت‌ها در تامین نهادهای لازم برای توسعه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان، موجب شد تا برخی اقتصاددانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف سازند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، دربرگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها، شاخص توسعه انسانی است که به عنوان معیار اندازه‌گیری توسعه و رفاه ملی در سال 1990 توسط آمارتیا سن¹ و محبوب‌الحق² اقتصاددان پاکستانی معرفی شد. در واقع مهم‌ترین عامل توسعه هر جامعه، افراد آن می‌باشند چرا که انسان هم هدف توسعه و هم ابزار توسعه است. این اهمیت وافر سبب گردیده تا کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی توجه خاصی به امر توسعه انسانی داشته باشند و عوامل تأثیرگذار بر آن را شناسایی کنند. توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه پیشرفت جوامع علاوه بر رسیدن به درآمد سرانه بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بر اساس این رویکرد رشد اقتصادی می‌تواند یکی از ابزارهای دستیابی به زندگی بهتر قلمداد شود ولی نمی‌تواند لزوماً به عنوان هدف در نظر گرفته شود. ابزار دیگر برای رسیدن به زندگی بهتر برآورده ساختن نیازهای روحی و بسط ظرفیت‌های ذهنی است که از طریق آموزش حاصل می‌شود. هم‌چنین شاخص امید به زندگی در بدو تولد برای اندازه‌گیری بهداشت به عنوان پایه‌ای دیگر از این شاخص در نظر گرفته شده است. HDI درصد اندازه‌گیری متوسط دستیابی هر کشور در سه بعد اساسی توسعه انسانی است که شامل دانش، زندگی طولانی توأم با سلامتی و استاندارد شایسته زندگی می‌باشد.

1- Amartya Sen
2- Mahbub Ul Haq

5- مطالعات پیشین:

5-1 مطالعات خارجی:

رودرا و سانیا¹ (2011) در مطالعه‌ای تحت عنوان «حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت‌های هندوستان» اثر حکمرانی خوب را بر توسعه انسانی در هندوستان طی دو دهه اخیر با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده شده است. این شاخص ترکیبی که کیفیت حکمرانی را نشان می‌دهد از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$QGGI_{it} = \sum_{i=1}^n a_i \frac{X_i}{S_{xi}}$$

که در آن a_i عامل بارگذاری است و بر اساس تحلیل مولفه‌های اصلی² محاسبه شده است. مدل مورد استفاده در این مطالعه به صورت زیر است:

$$HDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 QGGI_{it} + \beta_2 QGGI_{it} D_{it} + \beta_3 HDI_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

$$HDI_{it} < MeanHDI_{it}$$

$$D_{it} = 1 \quad \text{If} \quad \text{And} \quad 0 \text{ otherwis}$$

نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره‌های پیشین، توسعه انسانی فعلی را در هندوستان تعیین می‌کند. این بدان معناست که حکمرانی خوب می‌تواند به عنوان یک متغیر سیاستی برای بهبود توسعه انسانی و رشد اقتصادی در کشورها مطرح شود. هم‌چنین در این مطالعه بیان می‌شود که ساز و کارهای نهادی بهتر نیز می‌تواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

کو- اچ سین یانگ³ (2010) در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه انسانی و اثر بخشی

1- Rudra P. Pradhan and Sanyal

2- Principal Component Analysis

3- Ko-Hsin Yang

دولت» به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه انسانی می‌پردازد. وی بیان می‌کند که کیفیت منابع انسانی پایه و اساس توسعه در یک کشور است. توسعه انسانی نه تنها موجب بهبودی کیفیت نیروی کار در کشور می‌شود بلکه موجب بهبود خدمات عمومی و عملکرد اقتصادی نیز هست. این مطالعه به بررسی اثر عملکرد دولت بر توسعه انسانی یک کشور با استفاده از شاخص‌های حکمرانی و روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که سطح اقتصادی و کارایی دولت رابطه مثبتی با توسعه انسانی دارند. هم‌چنین هنگامی که سطح اقتصادی کنترل شود نیز کارایی دولت و توسعه انسانی به طور مثبتی در ارتباطند. نتایج این مطالعه راهکاری برای افزایش رفاه مردم به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌دهد.

سلکاک آکای¹ (2006) در مقاله‌ای تحت عنوان «فساد و توسعه انسانی» به بررسی مفهوم فساد و اثرات آن بر توسعه انسانی پرداخته است. وی بیان می‌کند که فساد زمانی ایجاد می‌شود که مقامات دولتی مسئولیت مستقیم برای ایجاد و توزیع خدمات عمومی داشته باشند. از نظر وی سرآغاز ایجاد فساد، قدرت انحصاری دولت در مورد کالاها و خدمات است که موجب ایجاد رانت می‌شود و دولت قدرت تعیین دریافت‌کنندگان رانت را دارد. وی از طرف دیگر، توسعه انسانی را گسترش انتخاب‌های افراد جامعه تعریف می‌کند و بیان می‌کند که انتخاب‌های افراد تنها با افزایش قابلیت‌های انسانی بهبود می‌یابد. که می‌تواند از طریق توسعه منابع انسانی چون سلامتی و تغذیه و تحصیلات بهبود یابد. تحلیل تجربی به کار رفته در این مطالعه اثر شاخص فساد را بر توسعه انسانی به روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار می‌دهد. دیگر متغیرهای اثرگذار بر شاخص توسعه انسانی عبارتند از ضریب شهرنشینی، آزادی اقتصادی و دموکراسی. مدل مورد استفاده در این مطالعه به صورت زیر می‌باشد:

$$HD_i = \alpha_0 + \alpha_1 UR_i + \alpha_2 EF_i + \alpha_3 DEM_i + \alpha_4 CI_i + \eta RD + U_i$$

1- Selcuk Akcay

که در آن EF شاخص آزادی اقتصادی، UR نرخ شهرنشینی، DEM شاخصی برای دموکراسی، CI شاخصی برای فساد و RD برداری از متغیرهای مجازی منطقه‌ای است. برای بررسی اثر فساد بر توسعه انسانی در این مطالعه از سه شاخص متفاوت برای تعیین فساد استفاده شده است که یکی از آن‌ها شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط بانک جهانی به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که فساد اثری منفی و به لحاظ آماری معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارد.

2-5 مطالعات داخلی:

کمیجانی و سلاطین (1388) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)» اثر کیفیت حکمرانی را بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های تلفیقی (پانل) در ایران و کشورهای منتخب همسایه در دوره 1996-2007 مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور در این مطالعه ابتدا شاخص کیفیت حکمرانی معرفی گردیده است و سپس روند آن در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که بانک جهانی برای کیفیت حکمرانی شاخص عددی محاسبه نکرده است، در این مطالعه میانگین ساده حسابی شش شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد. نتایج حاصل از مدل نیز نشان می‌دهد شاخص کیفیت حکمرانی در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی می‌باشد. اما میزان تأثیرگذاری این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان می‌باشد.

مبارک و آذریبوند (1388) در مطالعه‌ای با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی» به بررسی عوامل نهادی در کنار عامل‌های اقتصادی دیگر بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. عوامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) است که به طور جداگانه و کلی (میانگین) برای کشورهای

اسلامی مورد نظر از بین کشورهای با سطوح گوناگون توسعه در دوره 1980-2005 با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای مصر، ایران، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کم‌تری دارد. از نتیجه‌های به دست آمده می‌توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد و توسعه اقتصادی دارند.

برادران شرکاء و ملک الساداتی (1387) در مقاله ای با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب» به بررسی تأثیر حکمرانی خوب در نمونه‌ای مشتمل بر 30 کشور و برای دوره زمانی 1996 تا 2005 می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها حکمرانی خوب بر اساس میانگین موزون 6 شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد بلکه علاوه بر آن هر یک از 3 گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

6- الگوی تحقیق:

6-1-1 متدولوژی تحقیق:

با توجه به محدودیت‌های موجود در استفاده از الگوهای سری زمانی در دوره‌های زمانی کوتاه به دلیل محدودیت‌های آماری موجود، استفاده از روش داده‌های تابلویی جهت تلفیق داده‌های مقاطع و گروه‌های مختلف در یک سری زمانی محدود روشی مفید محسوب می‌شود. صورت کلی داده‌های تابلویی به شکل زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it} X_{it} + U_{it} \quad (1)$$

که در آن Y_{it} متغیر وابسته و X_{it} برداری از k متغیر توضیحی است، U_{it} نیز جزء اخلاص است که نماینده متغیرهایی است که مستقیماً در الگو وارد نشده‌اند. می‌توان $U_{it} = \mu_i + \lambda_i + \varepsilon_{it}$ تعریف نمود که در آن ε_{it} جزء اخلاص دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i بیانگر تفاوت‌های موجود بین مقاطع بوده و ثابت یا

تصادفی بودن توزیع آن منجر به تعیین شکل الگو به ترتیب در قالب اثرات ثابت یا تصادفی می‌گردد. λ_i نیز نشان دهنده وجود اثرات زمانی در الگو می‌باشد که منطبق با آن دو حالت یک طرفه ($\lambda_i = 0$) و دو طرفه ($\lambda_i \neq 0$) برای الگو تحقق می‌یابد. در الگوی فوق i نمایانگر تعداد مشاهدات مقطعی و t نشان دهنده دوره زمانی مشاهدات می‌باشد. ضریب α نیز جزء ثابت کلی مدل نام دارد.

به طور کلی برآورد الگو با استفاده از داده‌های تابلویی شامل مراحل: آزمون تشخیص پایایی (مانایی) بر روی داده‌ها، آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی، آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی و برآورد پارامترها است. لذا پیش از برآورد رابطه میان شاخص توسعه انسانی و متغیرهای توضیحی لازم است پایایی تمامی متغیرهای مورد استفاده در تخمین مورد آزمون قرار گیرد، زیرا ناپایایی متغیرها باعث بروز مشکل تخمین رگرسیون کاذب می‌شود. از سوی دیگر قبل از تخمین الگو از روش داده‌های تابلویی باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به صورت تلفیقی¹ ($\mu_i = 0$) وجود ندارد. به عبارت دیگر تفاوت بین دوره‌ها و نیز کشورهای انتخاب شده معنی‌دار است.

2-6 معرفی الگو:

در این پژوهش، جهت بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی، از الگویی استفاده شده است که در آن شاخص توسعه انسانی (HDI) به عنوان متغیر وابسته (Y) و شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان متغیرهای توضیحی در نظر گرفته می‌شوند. همراه با متغیرهای توضیحی متغیرهای اضافی دیگری به پیروی از مدل سلکاک (2006) برای کامل تر نمودن الگو به آن اضافه شده است.

بنابراین الگوی مورد مطالعه به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$HDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 VA_{it} + \beta_2 PV_{it} + \beta_3 GE_{it} + \beta_4 RQ_{it} + \beta_5 RI_{it} + \beta_6 CC_{it} + \beta_7 UR_{it} + \beta_8 EF_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

1- Pooling

که در آن HDI: شاخص توسعه انسانی، VA: شاخص حق صدا و پاسخ‌گویی، PV: شاخص ثبات سیاسی، GE: شاخص کارایی دولت، RQ: شاخص کیفیت قوانین و مقررات، RL: شاخص حاکمیت قانون، CC: شاخص کنترل فساد، UR: نرخ شهرنشینی و EF: آزادی اقتصادی می‌باشد و اندیس‌های i و t به ترتیب نماد کشور و سال هستند.

3-6 جمع‌آوری داده‌ها:

در این مطالعه شش شاخص حکمرانی خوب ارایه شده توسط بانک جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی به نام‌های دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون¹ است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی را معرفی نموده‌اند. نتیجه کار آن‌ها در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از $2/5$ - (به بدترین حالت) تا $2/5$ + (به بهترین حالت) و یا رتبه‌بندی² از 0 تا 100 برای هر شاخص، ارایه شده است. آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از منابع معتبر آماری نظیر گزارش‌های توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد³ و داده‌های بانک جهانی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) به دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از مؤسسه خانه آزادی استخراج گردیده است. در این پژوهش شاخص‌های رتبه‌بندی شده حکمرانی خوب (بین 0 تا 100) در کشورهای آسیای جنوب شرقی⁴ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

4-6 برآورد الگو و تحلیل نتایج:

در این پژوهش برای بررسی اثر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، از الگوی خطی و داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. پیش از برآورد الگوی مورد نظر ابتدا باید متغیرها را از

1- Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton

2- Ranking

3- UNDP

4- سنگاپور، اندونزی، مالزی، تایلند، ویتنام، فیلیپین، میانمار، لائوس، کامبوج و برونئی دارالسلام.

نظر مانایی مورد آزمون قرار داد. چون نامانایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در مورد داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌گردد. در مورد آزمون مانایی داده‌های تابلویی از آزمون ریشه واحد جمعی از قبیل آزمون لوین لین چو¹ استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون بیانگر نامانایی متغیر بوده و آماره آن دارای توزیع t می‌باشد. نتایج آزمون لوین لین چو در جدول (1) قابل مشاهده است:

جدول (1): نتایج آزمون ریشه واحد (مانایی) متغیرهای الگو

نام متغیر	مقدار آماره لوین لین چو	نتیجه
VA	-5/73	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
PV	-4/31	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
GE	-3/41	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
RQ	-6/26	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
RL	-3/92	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
CC	-2/52	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
EF	-3/18	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ زد می‌شود.
UR	-0/78	نامانایی در سطح اهمیت 1٪ رد نمی‌شود.

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار Eviews 5

با توجه به مقایسه مقادیر محاسبه شده با مقدار بحرانی جدول همان‌طور که مشاهده می‌شود همه متغیرها به جز UR در سطح 99% اطمینان و بالاتر مانا هستند. این متغیر نیز با یک بار تفاضل‌گیری در سطح 99% اطمینان مانا می‌شود.

سپس به منظور برآورد الگو باید تلفیقی بودن و یا تابلویی بودن داده‌ها توسط آزمون F لیمر مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه صفر در این آزمون بیان‌کننده تلفیقی بودن داده‌ها است که طبق نتیجه آماری ارایه شده در جدول (2) و مقایسه مقدار آماره آن با آماره F جدول فرضیه صفر در سطح خطای کمتر از 1% رد می‌گردد. این نتیجه دال بر انتخاب برازش الگو به روش داده‌های تابلویی خواهد بود.

1- Levin-Lin Chou Test

از طرف دیگر برای برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی وجود دارد که برای انتخاب بین این دو روش، آزمون هاسمن¹ استفاده می‌گردد. فرض صفر این آزمون بیانگر اثرات تصادفی است و بر مبنای مقدار آماره χ^2 گزارش شده برای این آزمون در جدول (2) می‌توان نتیجه گرفت که الگوی معرفی شده در رابطه (2) باید به روش داده‌های تابلویی به صورت اثرات ثابت (درون گروهی) برآورد گردد. نتایج آماری برازش الگو در جدول (2) ارایه شده است.

جدول (2): نتایج برازش الگو به روش اثرات ثابت

کشورهای آسیای جنوب شرقی		متغیرهای توضیحی
ضرایب	مقدار آماره t	
0.0002	1.04	شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی (VA)
0.001	5.62*	شاخص کارایی و اثربخشی دولت (GE)
-0.0002	-1.51	شاخص ثبات سیاسی (PV)
0.0008	2.48*	شاخص حاکمیت قانون (RL)
-0.00008	-0.025	شاخص کیفیت قوانین و مقررات (RQ)
0.0007	2.39*	شاخص کنترل فساد (CC)
0.0002	0.56	آزادی اقتصادی (EF)
0.001	11.05*	نرخ شهرنشینی (UR)
0.98		R2
F=6.13		آزمون F لیمر
$\chi^2=147.98$		آزمون هاسمن
*دال بر معنی دار بودن ضرایب در سطح خطای 1% و کمتر است.		

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار Stata9.1

1- Hausman Test

توجه به این نکته ضروری است که نتایج جدول (2) نشانه‌هایی از وجود هم خطی¹ میان متغیرهای توضیحی را نشان می‌دهد و بی‌توجهی به این موضوع ما را در تخمین مدل و تفسیر نتایج دچار خطا خواهد کرد. هم خطی به معنای وجود ارتباط خطی بین همه یا بعضی از متغیرهای توضیحی الگوی رگرسیون است. در واقع هم خطی وضعیتی را نشان می‌دهد که یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد، بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن R^2 مدل دارای اعتبار بالایی نباشد. به عبارت دیگر با وجود آنکه مدل خوب به نظر می‌رسد ولی دارای متغیرهای مستقل معناداری نمی‌باشد (مومنی، 1389، ص 143). هم خطی میان 6 متغیر نهادی حکمرانی خوب در الگوی فوق به دلایل زیر وجود دارد:

الف - R^2 بالا اما تعداد نسبت‌های t معنادار کم است که این مورد خود به تنهایی می‌تواند نشان‌هایی برای وجود هم خطی باشد.

ب - علامت غلط ضرایب (منها به جای مثبت) و مقدار غیر معمول ضرایب (خیلی بزرگ یا خیلی کوچک).

ج - همبستگی دو به دو متغیرهایی چون rl و rq ، cc و rq ، cc و ge ، rl و cc و ge بر اساس محاسبات بسیار بالا و از جذر ضریب تعیین بزرگ تر است.

د - افزودن متوالی متغیرهای مورد نظر به مدل، نشان می‌دهد که صرف نظر از ترتیب ورود و نام متغیر، آمدن متغیر سوم معنی‌داری متغیرهای پیشین را دستخوش تغییر می‌سازد. دلیل وجود هم خطی بین متغیرها در این پژوهش این موضوع می‌تواند باشد که مؤلفه‌های نهادی در اکثر کشورها، به گونه‌ای هماهنگ با هم رفتار می‌کنند.

1- Multicollinearity

راه‌های رفع هم خطی:

الف: استفاده از تحلیل عاملی¹ برای متغیرهای مستقل و خلاصه کردن متغیرهای مستقل در چند عامل کلی تر.

ب: کنار گذاشتن برخی متغیرهای دارای همبستگی بالا با بقیه متغیرها (همان، ص 144).

ج: محاسبه یک شاخص ترکیبی از شاخص‌های حکمرانی خوب.

در این پژوهش جهت رفع هم خطی ابتدا روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود.

5-6 روش تحلیل عاملی:

معمولاً در پژوهش‌ها به دلایل مختلف با حجم زیادی از متغیرها روبرو هستیم. برای تحلیل دقیق تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی تر و در عین حال عملیاتی تر، محققان به دنبال کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختار جدیدی برای آن‌ها می‌باشند و بدین منظور از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کنند. تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها به منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده دارد (مومنی، 1389، ص 191). تحلیل عاملی دارای کاربردهای متعددی است که عبارتند از:

الف - کاهش داده‌ها

ب - شناسایی ساختار

ج - سنجش اعتبار یک مقیاس یا شاخص (همان، ص 192).

در این پژوهش از روش تحلیل عاملی برای بررسی امکان حذف شاخص‌ها استفاده می‌شود.

1-5-6 شاخص KMO²:

شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌سازد آیا واریانس متغیرهای پژوهش، تحت تأثیر

1- Factor analysis

2 - Kaiser-Meyer-Olkin Measure Of Sampling Adequacy

واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. این شاخص در دامنه صفر تا یک قرار دارد. اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند و در غیر این صورت (معمولاً کمتر از 0.6) نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های مورد نظر چندان مناسب نمی‌باشد (همان، 193).

6-5-2 آزمون بارتلت¹:

این آزمون بررسی می‌کند که چه هنگام ماتریس همبستگی، شناخته شده است و بنابراین برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) نامناسب می‌باشد. ماتریس همبستگی دارای دو حالت است: 1) زمانی که ماتریس همبستگی بین متغیرها، یک ماتریس واحد و همبستگی می‌باشد. در این صورت متغیرها ارتباط معناداری با هم نداشته و در نتیجه امکان شناسایی عامل‌های جدید، بر اساس همبستگی متغیرها با یکدیگر وجود ندارد. 2) زمانی که ماتریس همبستگی بین متغیرها، یک ماتریس واحد و همبستگی نباشد که در این صورت ارتباط معناداری بین متغیرها وجود داشته و بنابراین امکان شناسایی و تعریف عامل‌های جدیدی بر اساس همبستگی متغیرها وجود دارد. اگر sig آزمون بارتلت کوچکتر از 5% باشد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است زیرا فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود (همان، ص 194).

برای سنجش روایی مربوط به حکمرانی خوب نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی در جدول (3) آورده شده است.

1- Bartlett's Test of Sphericity

جدول (3): تجزیه و تحلیل عاملی تائیدی برای شاخص‌های حکمرانی خوب

مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	میانگین بار عاملی	متغیرها	عامل
4.840	80.66	0.88	1-6	حکمرانی خوب

(KMO) Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.=0.79

Bartlett's Test of Sphericity=1.046 E3

Sig=.000

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار SPSS

باتوجه به جدول (3) و درصد واریانس تبیین شده برای عوامل و با توجه به این که مقادیر ویژه هر یک از عامل‌ها از 0.6 بزرگ‌تر بوده و بار عاملی این گویه‌ها نزدیک به یک می‌باشد، لذا روایی عاملی این متغیرها با قبولی پیش فرض‌های مربوطه مناسب است و هیچ یک از شاخص‌ها قابل حذف نمی‌باشد. ضمناً همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به این که مقدار شاخص KMO بزرگتر از 0.6 می‌باشد و نزدیک به یک است، داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند و معیار KMO نشان‌دهنده کفایت داده‌ها می‌باشد. معناداری آزمون بارتلت نیز کوچک‌تر از 5% می‌باشد و تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است زیرا فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود و نتایج آزمون بارتلت گویای این واقعیت است که انجام تحلیل عاملی برای این گویه‌ها مطلوب است.

با توجه به این که در روش تحلیل عاملی هیچ کدام از شاخص‌ها قابل حذف نبودند، بر اساس آنچه قبلاً گفته شد یکی دیگر از اقداماتی که برای رفع هم‌خطی می‌تواند صورت گیرد کنار گذاشتن برخی متغیرهای دارای همبستگی بالا با بقیه متغیرها است. بر این اساس از آنجا که هدف این پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب به طور جداگانه بر شاخص توسعه انسانی می‌باشد، می‌توان دو الگوی جداگانه تشکیل داد و متغیرهایی را که احتمال هم‌خطی و همبستگی بین آن‌ها بالاست از هم جدا کرد تا اثر آن‌ها بر شاخص توسعه انسانی به‌خوبی مشاهده و تحلیل شود. بنابراین دو الگوی جداگانه با توجه به

همبستگی‌های محاسبه‌شده بین شاخص‌ها، معرفی می‌شود که در هر کدام از الگوها اثر 3 شاخص از شاخص‌های حکمرانی خوب که همبستگی بالایی با یکدیگر ندارند، بر شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین الگو، الگویی است که در آن شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی (VA)، ثبات سیاسی (PV) و کیفیت قوانین و مقررات (RQ) به عنوان متغیرهای توضیحی معرفی می‌شوند.

طبق نتیجه آماره ارایه شده در جدول (4) و مقایسه مقدار آماره آن با آماره F جدول، فرضیه صفر در سطح خطای کمتر از 1% رد نمی‌شود. این نتیجه دال بر انتخاب برآزش الگو به‌روش داده‌های تلفیقی خواهد بود. نتایج برآزش این الگو در جدول (4) قابل مشاهده می‌باشد:

جدول (4): نتایج برآزش الگو به روش داده‌های تلفیقی

کشورهای آسیای جنوب شرقی		متغیرهای توضیحی
ضرایب	مقداره آماره Z	
-0.0004	-1.15	شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی (VA)
0.0004	1.98*	شاخص ثبات سیاسی (PV)
0.004	9.25*	شاخص کیفیت قوانین و مقررات (RQ)
-0.003	-4.77*	آزادی اقتصادی (EF)
0.001	8.73*	نرخ شهرنشینی (UR)
0.95		R ²
F=1.86		آزمون F لیمر
علامت * دال بر معنی دار بودن ضرائب است.		

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار Stata 9.1

در ادامه در الگویی جداگانه اثر هم‌زمان سه شاخص دیگر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی بررسی می‌شود. در این الگو، شاخص‌های اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد به عنوان متغیرهای توضیحی در نظر گرفته می‌شود. الگوی مورد نظر در این روش به صورت زیر می‌باشد:

$$HDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 GE_{it} + \beta_2 RL_{it} + \beta_3 CC_{it} + \beta_4 UR_{it} + \beta_5 EF_{it} + U_{it} \quad (4)$$

طبق نتیجه آماری ارایه شده در جدول (5) و مقایسه مقدار آماره آن با آماره F جدول، فرضیه صفر مبنی بر برآزش الگو به روش داده‌های تلفیقی در سطح خطای کمتر از 1% رد می‌شود. این نتیجه دال بر انتخاب برآزش الگو به روش داده‌های تابلویی است و بر مبنای مقدار آماره χ^2 گزارش شده برای این آزمون در جدول (5) می‌توان نتیجه گرفت که الگوی معرفی شده در رابطه (5) باید به روش داده‌های تابلویی به صورت اثرات تصادفی برآورد گردد. نتایج آماری برآزش الگو در جدول (5) ارایه شده است.

جدول (5): نتایج برآزش الگو به روش اثرات تصادفی

کشورهای آسیای جنوب شرقی		متغیرهای توضیحی
ضرایب	مقداره آماره Z	
0.002	*9.50	شاخص کارایی و اثربخشی دولت (GE)
0.0006	*1.93	شاخص حاکمیت قانون (RL)
-0.0002	-0.65	شاخص کنترل فساد (CC)
0.0006	*2.28	آزادی اقتصادی (EF)
0.001	*9.43	نرخ شهرنشینی (UR)
0.98		R ²
F=6.83		آزمون F لیمر
16.23		آزمون هاسمن
علامت * دال بر معنی دار بودن ضرایب است.		

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار Stata 9.1

بر اساس نتایج آماری جدول شماره (4) اثر شاخص‌های ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات بر شاخص توسعه انسانی مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار است. کشش

محاسبه شده برای شاخص ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات به ترتیب برابر با 0.03 و 0.31 می‌باشد. بدین معنا که 1% درصد افزایش در شاخص ثبات سیاسی منجر به 0.03% افزایش در HDI و 1% افزایش در شاخص کیفیت قوانین و مقررات منجر به 0.31% افزایش در HDI می‌شود. بر اساس نتایج جدول شماره (3) شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی اثر معناداری بر HDI ندارد.

بر اساس نتایج آماری جدول شماره (5) اثر شاخص‌های کارایی دولت و حاکمیت قانون بر شاخص توسعه انسانی مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار است. کشش محاسبه شده برای شاخص‌های کارایی دولت و حاکمیت قانون به ترتیب برابر با 0.17 و 0.04 می‌باشد که اینگونه قابل تفسیر است: 1% درصد افزایش در شاخص کارایی دولت منجر به 0.17% افزایش در HDI و 1% افزایش در شاخص حاکمیت قانون منجر به 0.04% افزایش در HDI می‌شود. بر اساس نتایج جدول شماره (4) شاخص کنترل فساد اثر معناداری بر شاخص توسعه انسانی ندارد.

در نهایت اقدام سومی که جهت رفع هم‌خطی می‌توان انجام داد این است که با توجه به همبستگی بالا میان شاخص‌های حکمرانی خوب (که نمی‌توان آن‌ها را در کنار یکدیگر به عنوان متغیر توضیحی در الگو آورد)، از میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب (GI) استفاده شود و الگوی زیر تخمین زده شود:

$$HDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 GI_{it} + \beta_2 UR_{it} + \beta_3 EF_{it} + U_{it} \quad (5)$$

که در آن GI میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد. نتایج آماری برآزش الگو در جدول (6) ارائه شده است.

جدول (6): نتایج برازش الگو به‌روش اثرات ثابت

کشورهای آسیای جنوب شرقی		متغیرهای توضیحی
ضرایب	مقداره آماره t	
0.004	*18.55	GI
0.001	*9.59	UR
-0.001	* -3.69	EF
0.96		R ²
F=7.14		آزمون F لیمر
2.46		آزمون هاسمن
علامت * دال بر معنی دار بودن ضرائب است.		

منبع: محاسبات محقق با استفاده از نرم افزار Stata 9.1

بر اساس نتایج تخمین الگوی (6) میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب (GI) اثر مثبت و کاملاً معناداری بر HDI دارد. بنابراین هرچه شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب از وضعیت مطلوب تری برخوردار باشند، GI بالاتر و نتیجتاً شاخص توسعه انسانی بالاتر خواهد بود. کشش محاسبه‌شده برای GI برابر با 0.28 می‌باشد. بدین معنا که 1% درصد افزایش در GI منجر به 0.28% افزایش در HDI می‌شود.

7- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

این مقاله به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی (به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی) در کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN) در دوره زمانی 10 ساله (2000-2009) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و نرم افزار Stata می‌پردازد. ابتدا اثر کلیه شاخص‌ها به طور هم‌زمان در معادله (2) بر شاخص توسعه انسانی برآورد شده است و نتایج در جدول (2) آمده است. بر اساس نتایج قابل مشاهده در جدول

(2) تنها اثر 3 شاخص از 6 شاخص حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی معنادار است و ضمناً ضریب تعیین الگو بسیار بالا و همبستگی دو به دوی متغیرها نیز زیاد است. در نتیجه بین شاخص‌های حکمرانی خوب هم خطی وجود دارد. به‌منظور رفع هم خطی موجود میان این شاخص‌ها ابتدا از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. اما با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی برای شاخص‌های حکمرانی خوب در جدول شماره (3) هیچ کدام از شاخص‌ها قابل حذف نیستند. با توجه به این که با انجام روش تحلیل عاملی امکان کاهش دادن شاخص‌ها برای رفع هم خطی موجود وجود نداشت، اقدام دیگری برای رفع هم خطی صورت گرفته است. در این روش شاخص‌ها به دو گروه که هر کدام 3 شاخص را در بر می‌گیرند تقسیم شده‌اند و اثر همزمان 3 شاخص در دو الگوی مجزا برآزش شده است. نتایج این برآزش‌ها در جدول‌های (4) و (5) قابل مشاهده است. نتایج نشان می‌دهند شاخص‌های ثبات سیاسی، کارایی دولت، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات اثری مثبت و به‌لحاظ آماری کاملاً معنادار بر HDI دارند. اما اثر شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و کنترل فساد بر HDI بر اساس نتایج معنادار نیست. در واقع دولت نقش مهمی در معجزه اقتصادی کشورهای شرق آسیا داشته است. کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا، دولت را عامل موثری می‌دانند که در یک مشارکت مولد با بخش خصوصی دخالت دارد. در حالی که دولت‌های استبدادی ناکارآمد مسؤول عقب ماندگی اقتصادی در آفریقا یا دیگر جاها بوده‌اند، اکثر کشورهای شرق آسیا رشد اقتصادی قابل توجهی را تحت رژیم‌های اقتدارگرا تجربه کرده‌اند. ارتباط بین حکومت‌های اقتدارگرا و عقب ماندگی اقتصادی که در آفریقا یا دیگر نقاط کاملاً واضح است، در کشورهای آسیایی اعتباری ندارد. این مسأله بیشتر به دلیل تعهد محکم آن‌ها به توسعه اقتصادی سریع، توانمندی مدیریتی قوی و روابط نهادینه با بنگاه‌های خصوصی، به‌علاوه توانایی آن‌ها در عرضه زیرساخت‌های اقتصادی اجتماعی، مدیریت صحیح اقتصادی، ارایه آموزش‌های اولیه و خدمات بهداشتی است. این مسأله می‌تواند تحلیلی برای معنادار نبودن شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی بر شاخص توسعه انسانی باشد.

در نهایت اقدام دیگری نیز با توجه به هم‌خطی میان متغیرهای توضیحی و همبستگی بالا میان شاخص‌های حکمرانی خوب صورت گرفته است و با استفاده از میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب (GI)، الگوی دیگری تخمین زده شده (الگوی (5)) که در آن تأثیر حکمرانی خوب (به طور کلی) بر شاخص توسعه انسانی برآزش شده است. نتایج این تخمین در جدول شماره (6) نشان می‌دهد که حکمرانی خوب اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر HDI دارد.

منابع:

- 1-Akai, Nobuo (2005), “Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States”, The paper presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association (at Kyōto Sangyō University, 4–5 June 2005).
- 2-Baradarane Shoraka, H. and Maleko Sadati, H. (1387), The Effect of Good Governance on Economic Growth in Selected Countries, *Rahbord Journal*, 49, pp. 29-52.
- 3-Baldacci, E., Teresa, M.G. and Demelloo L. (2003), More on the Effectiveness of Public Spending on Health Care and Education, *Journal of International Development*, 15, pp. 709-725.
- 4-Barro, Robert (1991), Economic Growth in a Cross Section of Countries, *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), pp. 407-433.
- 5-Barro, R.J. (1996), Determinants of Economic Growth: A Cross Country Empirical Study, NBER working paper 5698.
- 6-Clague, C., Keefer, P., Knack, S. and Olson, M. (1996), Property and Contract Right in Autocracies and Democracies, *Journal of Economic Growth*, 1(2), pp. 243-267.
- 7-Diedhiou, A. (2007), Governance for Development: Understanding the Concepts, Reality Linkage, *Journal of Human Development*, 8(1), pp. 23-28.
- 8-Hadavand, Mehdi (1384), Good Governance, Development and Human Rights, *Journal of Fundamental Rights*, 3(4), pp. 51-86.
- 9-Haggard, S., MacIntyre, A. and Tiede, L. (2007), “The Rule of Law and Economic Development” by University of California - San Diego.
- 10-Kaufmann Daniel, Kraay Aart and Massimo Mastruzzi (2010), The Worldwide Governance Indicators, Methodology and Analytical Issues, The World Bank, Development Research Group, Macroeconomics and Growth Team, September 2010.
- 11-Kaufmann, D. and Mastruzzi A. (2007), Governance Matters: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2006, Washington: World Bank.
- 12-Klomp, J. and De Hann, J. (2008), Effect of Governance on Health: A Cross Sectional Analysis of 101 Countries, KYKLOS,

- 61(4), pp. 599-614.
- 13-Ko-Hsin Yong (2010), Human Development and Government Effectiveness, Oxford University Press, Washington, DC.
- 14-Komeijani, A. and Salatin, P. (1388), The Effect of Governance Quality on Economic Growth, Researcher Journal, 7(20), pp. 27-41.
- 15-Lubna, Hasan (2010), "Rule of Law, Legal Development and Economic Growth: Perspectives for Pakistan", Pakistan Institute of Development Economics.
- 16-Markaz Malmiri, A. (1385), Rule of Law, The Office of Law Studies, Majlis Research Center (First Edition).
- 17-Meidari, Ahmad (1385), Introduction for Good Governance Theory, Social Welfare Journal, 6(4), pp. 317-345.
- 18-Mobarak, A. and Azar peyvand, Z. (1388), The Effect of Good Governance Indicators on Economic Growth (Islamic perspective), Journal of Islamic Economics, 9(36), pp. 180-208.
- 19-Momeni, Mansour (1389), Statistical Analysis with SPSS, New Book Publishing, First Edition.
- 20-Rafiqh Alrahman, Aboo Tayeb (1384), Improving Government Performance through Administrative System Reforms, Safar, Mohammad, Management and Planning Organization Publishing, First Edition.
- 21-Renani, Mohsen (1383), The Role of Government in Institutional Reforms through Legislation, Journal of Majlis Research Center, 39, pp. 13-30.
- 22-Rudra P. Pradhan and Sanyal G.S. (2011), Good Governance and Human Development: Evidence form Indian States, Journal of Social and Development Sciences, 1(1), pp. 1-8.
- 23-Saadatmehr Masoud (2011), "The Study of the Effect of Investment Security on Private Investment in Iran", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 1(2), pp. 163-175.
- 24-Saeidi, Khalil (1386), Development Theories, Cooperative Company of Culture and Arts Entrepreneurs Publishing, First Edition.
- 25-Selcuk Akcay (2006), Corruption and Human Development,

Cato Journal, 26(1), PP. 45-60.

26-Stolper, A.M., Walker, C.S. and Marczak J. (2006) "Rule of Law, Economic Growth and Prosperity", Report of the Rule of Law Working Group, American Society and Council of the America. New York.

27-Stowe, Keneth (1992), Good Piano Won't Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance, Public Administration, 70, pp. 387-394.

28-Tanzi, Vito (1998), Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures, IMF Staff Papers, 45(4), pp. 559-594.